

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۲۰	تنصیص واضع	واضع به صراحت یا طور غیر صریح بگوید که فلان لفظ را در فلان معنی وضع کرده ام	قزوینی / اصفهانی
۲۱	تنصیص مردم آن زبان	-	قزوینی
۲۲	تنافر	اگر لفظی (اسد) در دو معنی به همراه قرینه استعمال می شود (اسدٌ یتکلم - اسدٌ یفترس) اگر یکی از دو قرینه با آنچه از لفظ به ذهن می رسد، سازگار نیست (تکلم) این تنافر علامت مجازیت معنای همراه آن است	قزوینی
۲۳	اصالة الاستعمال	این اماره در کلمات گروهی دیگر با عنوان اصالة الحقیقه شناخته می شود	قزوینی
۲۴	یک معنی داشتن لفظ	-	شیرازی

رقم	نام علامت	توضیح	ناقل
۲۵		ورود لفظ در مقام بیان بدون قرینه، در حالیکه علم به معنای آن پیدا می‌کنیم	اصفهانی
۲۶		نبود هیچ علاقه ای بین معانی لفظ که بتواند باعث پیدایش مجاز شود	اصفهانی
۲۷	صحت استثناء	اگر از لفظی، استثناء شد، معلوم می‌شود که دارای معنای عام است	اصفهانی
۲۸	اصالة الوضع برای قدر مشترک	لفظی که در دو معنا که دارای قدر مشترک هستند استعمال می‌شود، برای قدر مشترک وضع شده است تا : مجاز یا اشتراک لفظی لازم نیاید	اصفهانی

کلام مرحوم پروجردی پیرامون علائم حقیقت و مجاز بنا بر مبنای مرحوم اصفهانی در باب مجاز

استعمال مجازی استعمال لفظ در موضوع له است با این تفاوت که ادعا می کنیم :
مراد جدی (رجل شجاع) مصداقی از موضوع له (حیوان مفترس) است

هر استعمال مجازی ذهن، مستلزم دوم امر است :

۱. وصول ذهن به معنای موضوع له ۲. عبور از آن و رسیدن به مراد جدی

شناخت معنای حقیقی و مجازی :

- اگر ذهن از موضوع له عبور می کند ← معنا، مجازی است
- اگر ذهن از موضوع له عبور نمی کند ← معنا، حقیقی است

اشکال حضرت امام به مرحوم اصفهانی

صرفاً به دنبال علائم حقیقت و مجاز در **مقام استعمال** نیستیم!
(در جایی که مراد متکلم را می دانیم ولی نمی دانیم این معنی مراد حقیقی است یا مجازی)

بلکه این علائم، علامت هستند حتی در جایی که استعمال نباشد

بررسی نقد حضرت امام (۱)

جهت صحت در کلام امام :

این علائم، علامت هستند، حتی اگر مراد متکلم را ندانیم

بررسی نقد حضرت امام (۲)

اشکال اول :

در کلام مرحوم بروجردی، علم به مراد متکلم مطرح نیست بلکه اگر معنایی را از لفظی شنیدیم، بررسی می کنیم که :
آیا این معنی اولاً به ذهن آمده است؟ یا به واسطه ادعاء فردیت و عینیت؟

اشکال دوم :

در کلام ایشان بین استعمال در جمله و استعمال متفرد تمایز گذارده نشده است در حالی که شک در معنای «آب»، استعمال انفرادی آن در ذهن است.

۹۱ / ۷ / ۲۲

جلسه ۱۷

حقیقت و مجاز

شنبه

سال سوم

اول:

تبادر

کلام مرحوم آخوند در مورد «تبادر»

نشانه **حقیقی** بودن معنای لفظ ← **تبادر** معنی از لفظ + بدون هیچ قرینه

علت : اگر وضع نبود، این معنی از لفظ متبادر نمی شد.

کلام مرحوم خوبی در مورد «تبادر»

چنین تبادری به کشف **انّی** کاشف از وضع است

دلالت لفظ بر معنی:

یا ناشی از **علقه ذاتیه** (= باطل) یا ناشی از **دلالت جعلی** (= صحیح)

دلالت جعلی: یا ناشی از **وضع** است یا **قرینه**

و چون مفروض عدم وجود قرینه است، پس ناشی از وضع است

شرط تبادر: از نفس لفظ باشد و نه به کمک قرینه خارجی

ما می گوئیم :

علقه حاصله بین لفظ و معنی : یا **ذاتی** است، یا **وضعی** و یا در اثر **کثرت استعمال**
لذا حقیقت اعم است از استعمال لفظ در **موضوع له** و در فی **معنی الموضوع له**

اگر کسی وضع وضع **تعینی** را قبول داشت ← کلام **خویی** صحیح است
و اگر قبول نداشت ← کلام **امام** صحیح است

اشکال در کلام مرحوم خوئی :

در برهان آئی علم به معلول باعث می شود علم به علت پیدا کنیم.
حال تبادل معلول وضع است و نه معلول علم به وضع

اشکال و جواب مرحوم آخوند در مورد تبادر (۱)

اشکال دور:

چگونه تبادر علامت است در حالیکه اگر علم به وضع نداشته باشی، معنا متبادر نمی شود.

پس:

اگر علم به وضع متوقف بر تبادر باشد، تبادر هم متوقف بر علم به وضع است، پس دور است

اشکال و جواب مرحوم آخوند در مورد تبادر (۲)

تبادر یا تبادر عند العالم است و یا تبادر عند اهل المحاوره

در فرض اول:

علمی که موقوف علیه است غیر از آن علمی است که تبادر موقوف بر آن است
چرا که علم تفصیلی، موقوف بر تبادر است در حالیکه تبادر، موقوف بر علم اجمالی به
معنای حقیقی است

در فرض دوم:

علم جاهل موقوف بر تبادر عند العالم است و تبادر عند العالم موقوف بر علم عالم

ما می‌گوییم :

مراد از علم تفصیلی و علم اجمالی ← علم **بسیط** و علم **مرکب** است
(این غیر از علم اجمالی و علم تفصیلی در علم اصول است)

گاه مراد از علم اجمالی، **اجمال فوق تفصیل** است : مثل علم اجمالی واجب الوجود در ازل
(که در فلسفه بحث می‌شود)

همین اشکال و جواب، پیش از مرحوم آخوند در کلام مرحوم اصفهانی در هدایة المسترشدين
و فصول آمده است